

شهر و عدالت سوسیالیستی

آرمان میناتورسجادی

کارشناس ارشد معماری منظر
arman_miniator@yahoo.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «هنر و تمدن قفقاز» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۲ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

عدالت در رفتار هر فرد با افراد دیگر و در رفتار حکومت و قوانین با افراد جامعه بروز پیدا می‌کند. عدالت اجتماعی گونه‌ای از عدالت بوده که بیانگر این مفهوم بین جامعه است. انتخاب شعار عدالت از مدرنیته^۱ توسط مارکسیسم باعث شد تا برقراری عدالت اجتماعی ایده اصلی در حاکمیت و تبلور شهرهای کمونیستی باشد. ایده‌ای که مفهوم متفاوت آن براساس اندیشه مارکسیستی موجب پیدایش شهرهای متمایز سوسیالیستی شد. به دنبال این تمایز سؤالات پژوهش مطرح می‌شود: تعبیر مارکسیست‌ها از عدالت اجتماعی چیست؟ و مصداق‌ها و راهکارهای به دست آمده از این تعبیر به چه صورت در ایجاد شهرهای سوسیالیستی تأثیرگذار بوده‌اند؟ در فرهنگ مارکسیستی مقصود از عدالت اجتماعی برقراری تساوی بین شهروندان و دست‌یافتن به برابری اقتصادی است. هدف در این نگرش تأمین نیاز مردم و توزیع کالا به صورت مساوی و همگون‌سازی بین آنهاست که این مفهوم پس از برقراری تساوی و نابودی نظام سرمایه‌داری از بین می‌رود. براساس این نوع تفکر شاهد راهکارهایی برآمده از ایده عدالت اجتماعی در نظام رهبری و ساخت شهرهای سوسیالیستی در تمام لایه‌های شکل‌دهنده آن هستیم که این راهکارها بر اساس نمونه‌های بیان شده در شهرهای دو کشور گرجستان و ارمنستان در چهار قالب تشریح می‌شوند. در این مقاله همچنین به بررسی نحوه و میزان مشارکت دولت و مردم در دست‌یافتن به ایده عدالت اجتماعی مارکسیستی در شهر پرداخته می‌شود که میزان این مداخله شکل‌دهنده منظر شهرهای سوسیالیستی است.

واژگان کلیدی

شهر سوسیالیستی، عدالت اجتماعی، اقتدارگرایی، اجتماع‌گرایی، اقتصاد الحاقی، تاریخ‌گرایی.

مقدمه

قرار گرفتن افراد جامعه در طبقات خاص خود است. در این اندیشه از نظر «ارسطو» عدالت به مثابه شایستگی و لیاقت است. ارسطو در چارچوب چنین اندیشه‌ای به دو مفهوم از عدالت در روابط اجتماعی میان انسان‌ها اشاره می‌کند: یکی عدالت توزیعی و دیگری عدالت تعویضی - جبرانی.

منظور از مفهوم اول چگونگی توزیع منابع و مواهب طبیعی و اجتماعی میان اعضای جامعه است که باید برحسب منزلت و مرتبه اعضای جامعه صورت گیرد و منظور از مفهوم دوم رعایت تساوی در دادوستد به معنای عام کلمه است (غنی‌نژاد به نقل از مقاله برخی نظریه‌های اجتماعی، ۱۳۹۱). عدالت اجتماعی به مثابه رعایت تناسب‌ها، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها تلقی و برداشت اندیشمندان مسلمان است. این گروه معتقد بودند متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌ها باید فرصت‌ها و امکانات توزیع شود (برخی از نظریه‌های اجتماعی، ۱۳۹۱). شعار برابری انسان‌ها صریحاً در قرآن بیان شده و تفاوت انسان‌ها را به تقوی، که امری اکتسابی و وابسته به رفتار انسان و نه نژاد و خلقت اوست، مربوط کرده است. در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده "بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست" این دیدگاه مفهوم شهر را از حریم طبقات برگزیده به مکان همه شهروندان تبدیل کرد (منصوری، ۱۳۹۲).

اندیشمندان مدرن، برابری حقوقی همه انسان‌ها را صرف نظر از تعلق نژادی، قومی، طبقاتی و غیره را مفروض می‌گرفتند. در رویکرد جدید نیز می‌توان عدالت را به مثابه مساوات و برابری برداشت کرد. تلقی برابرگرایانه و مساوات‌طلبانه، خاص دوران مدرنیته است. متجددان برخلاف قدما اصل را برابری طبیعی همه انسان‌ها قرار دادند و تفاوت‌های ظاهری و نژاد و قوم و قبیله و تعلقات اجتماعی، طبقه، گروه، صنف را ذی‌ربط به بحث عدالت ندانستند و به‌طور کلی تصور سلسله مراتبی و ارگانیک از جامعه را رد کردند. از منظر اندیشمندان مدرن همه انسان‌ها از یک سلسله حقوق طبیعی یا فطری مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی و شیوه زندگی و غیره برخوردارند (غنی‌نژاد به نقل از مقاله برخی نظریه‌های اجتماعی، ۱۳۹۱).

عدالت اجتماعی

عدالت دارای ابعاد متفاوتی از جمله عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی است. عدالت اجتماعی چیزی است که در واقع به مردم آرامش و رفاه و آسایش می‌دهد و تبعیض، نابرابری، ناامنی، استبداد، بردگی، ظلم، زورگویی، محرومیت، فقر و اختناق را از میان می‌برد (سروش، ۱۳۸۶: ۲۸). این نوع عدالت اشاره به این دارد که گروه‌های مختلف اجتماعی، اقوام، نژادها، ادیان و مذاهب از امکان یکسانی برای بارور کردن و بیان دیدگاه‌های مورد علاقه‌شان برخوردار باشند. این موضوع در آثار اندیشمندان دیگر چون «راولز»^۲، «رشر»^۳، «رانسیمن»^۴ و

شهر همچون موجودی زنده پیوسته دستخوش دگرگونی است. این دگرگونی در گذر زمان، شکل شهرها را به سوی هدف‌های ویژه‌ای سوق می‌دهد. برخی از شهرها امروزه از شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام‌های حاکم بر خود اثر می‌پذیرند که نه تنها در کالبد و فیزیک، بلکه در هر زمینه نشان از چیرگی ایده‌ها و اندیشه‌های فرمانروایان و گردانندگان شهرها دارند. فضای شهری را در واقع می‌توان تولیدی اجتماعی - اقتصادی دانست که بازتابی از کارکردهای سیاسی و اقتصادی است. عدالت اجتماعی ایده مشترک بسیاری از اندیشمندان و رهبران سیاسی کشورها بوده است که براساس آن بسیاری از شهرها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ایجاد شده‌اند. تعبیرهای متفاوت از این ایده مشترک اساس تفاوت در سازمان فضایی شهرها در مناطق مختلف است. به گونه‌ای که شهرهایی که در سایه اندیشه‌های ایرانی - اسلامی پدید می‌آیند و رشد می‌کنند، بسیار متفاوت از شهرها در نظام سوسیالیستی هستند و دو فضای جغرافیایی و دو جهان متفاوت برای ساکنان خود پدید می‌آورند. تاکنون پژوهشگران تحقیقات وسیع و متعددی در مورد چگونگی ساختار، شکل و سیاست‌های دولتی شهرهای سوسیالیستی انجام داده‌اند. همچنین رابطه میان سیاست‌های سوسیالیستی کشورهای بلوک شرق، توسعه شهری و طراحی و ساخت شهرهای جدید در این کشورها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. تعبیر مارکسیست‌ها از عدالت، مفهومی است که در این پژوهش براساس آن راهکارهای برخاسته از این تعبیر خاص و تأثیرگذار در ایجاد شهرهای سوسیالیستی بیان می‌شوند؛ راهکارهایی که موجب تمایز این شهرها در بسیاری از زمینه‌ها از سایر مدل‌های شهری شده است.

فرضیه

نسبی بودن مفهوم عدالت در فرهنگ کمونیستی تعبیری است که با برقراری مساوات و از طریق تأمین نیازها از بین می‌رود. این تعبیر خاص از عدالت، اساس ایجاد شهرهای سوسیالیستی با غلبه حاکمیت دولت در شهر برای حذف جامعه طبقاتی است که دستوری بودن، یکنواختی و عدم تکثر در این شهرها را منجر می‌شود.

مفهوم عدالت در اندیشه سنتی و مدرن

مفهوم عدالت از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده و یکی از مفاهیم محوری هرگونه اندیشه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تشکیل می‌دهد. عدالت را اساساً می‌توان به عنوان اصل (یا مجموعه‌ای از اصول) در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است (هاروی، ۱۳۷۶). اندیشمندان نیز هرکدام برداشتی از این مفهوم را ارائه کرده‌اند که به طور کل در دو قسمت اندیشه سنتی و اندیشه مدرن مطرح است (برخی نظریه‌های اجتماعی، ۱۳۹۱): در اندیشه سنتی، عدالت از نظر افلاطون به مثابه تناسب و

تاریخ مبارزه‌ای زیرپوستی بین شهروندان و حکومت‌گران است. شهر، محیطی پویا و فعال است که در عین آنکه از رفتار و اندیشه انسان‌ها متأثر است، در ساخت ذهن آنها مشارکت دارد (منصوری و همکاران، ۱۳۸۲). شهر را می‌توان تبلور تاریخ و تمدن اجتماعی دانست که مردم در آن زندگی می‌کنند و در واقع حاصل قرن‌های طولانی اندیشه و دستاورد تلاش‌های گوناگونی است که هریک سهمی خاص در شکل‌بخشیدن به محیط شهری دارد. بر این اساس می‌توان گفت شهر خواستگاه شهروندان و برای شهروندان است.

سوسیالیست‌ها برای از بین بردن ستیز طبقاتی و نابرابری اجتماعی، معتقدند محصولی که اجتماع تولید کرده است، باید به اجتماع واگذار شود، یعنی به طور کامل مالکیت خصوصی را نهد می‌کند و آن را عامل اصلی قشربندی و نابرابری اجتماعی می‌داند. از نظر آنها دولت، قدرت مطلق حاکم بر شهر است (تقوایی و تبریزی، ۱۳۸۴).

با نگاه کلی‌تر به تاریخ شکل‌گیری سوسیالیسم می‌توان دریافت اعمال نفوذ دولت برای ایجاد آنچه مد نظر ایدئولوژی سوسیالیسم بوده است در بیانیه کمونیستی مارکس در سال ۱۸۴۸ مورد توجه قرار گرفته بود. در بیانیه مذکور حذف تفاوت‌های شهرها و مناطق غیر شهری مورد تأکید بود (استروفسکی، ۱۳۷۸: ۱۳۶) که این سیاست در شوروی سابق باعث محدود شدن رشد شهرهای بزرگ و تقویت شهرهای جدید و کوچک شد (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۰۴). این بیانیه که به دنبال از بین بردن جامعه طبقاتی و برقراری تساوی صادر شد؛ زمینه‌ساز تبدیل شدن شهر به عرصه‌ای برای نمایش قدرت دولت نیز بود.

ویژگی بارز ایدئولوژی سوسیالیستی، عدم انعطاف، دستوری بودن آن و برنامه‌ریزی از بالا به پایین آن است. این نوع برنامه‌ریزی دارای ویژگی‌های برنامه‌ریزی مدرن است که در آن سعی می‌شود یک برنامه مدون و بدون کم و کاست طراحی و اجرا شود و پس از آن هیچ‌گونه بازبینی و تعدیل نشود و از این نظر با برنامه‌ریزی‌های جدیدتر نظیر برنامه‌ریزی استراتژیک متفاوت است. در کشورهای سوسیالیستی و حتی در سال‌های پس از انقلاب‌های کمونیستی، پروژه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای، طراحی شهری، حمل و نقل و... توسط دولت برنامه‌ریزی، اجرا و شدیداً بر آن نظارت می‌شد، چراکه این برنامه‌ها از نظر سران این کشورها دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی بود و هم می‌توانست نشان‌دهنده قدرت و صلابت این دستگاه‌ها باشد (عسکرزاده و خادمی، ۱۳۸۹: ۶۸).

خیابان‌های منظم، عریض و در تضاد با بافت مجاور خود و نقاط عطف دولت‌مدار که به نسبت درجه اهمیت‌شان در ساختار قدرت، رتبه بالاتری از عطف بودن را در سیمای شهری اختیار کرده‌اند، الگوی ساماندهی منظر شهری در این شهرهاست که در این بین

«تاونی»^۵ به اشکال مختلفی بیان شده که در برداشتی خاص و از نظر هاروی، اصل عدالت اجتماعی بر پایه مفهوم "توزیع عادلانه از طریق عادلانه" قرار دارد. در بیان این مفهوم می‌توان ماهیت عدالت اجتماعی را به کمک سه معیار کلی بیان کرد: نیاز، منفعت عمومی و استحقاق (هاروی، ۱۳۷۶).

«مارکس» نیز تحقق عدالت اجتماعی را زمانی مسیر می‌دانست که افراد به لحاظ اقتصادی در شرایط برابر زندگی کنند و این امر بدون توزیع مجدد ثروت امکان‌پذیر نیست. وی وجود عدالت اجتماعی را منوط به وجود عدالت اقتصادی می‌دانست (بیات، ۱۳۸۱). از دیدگاه مارکسیست‌ها زمینه‌های عدالت، ذات زندگی اجتماعی انسان‌های معمولی نیست، بلکه این نظام طبقاتی و سازوکار آنست که این شرایط را به وجود می‌آورد. از این رو نیاز به مفهوم عدالت برای توزیع منابع کمیاب تنها در جوامع طبقاتی به ویژه سرمایه‌داری نمایان می‌شود. بر این اساس در فرهنگ مارکسیستی مفهوم عدالت یک مفهوم نسبی و غیر دائمی است که با گذار از این جامعه طبقاتی و تحقق کمونیسم زمینه‌های عدالت از بین می‌رود و انسان به کمال خویش می‌رسد. آن وقت است که از هرکس به اندازه توانش کار و به هرکس به اندازه نیازش امکانات تعلق خواهد گرفت (حاجی حیدر، ۱۳۸۷). در این دیدگاه از بین رفتن مفهوم عدالت با حذف جامعه طبقاتی منجر به ارزش یافتن عنصر برابری و مسئله نیاز می‌شود. مارکسیست‌ها براساس تعبیر خاص خود از عدالت، اولویت‌ها را برحسب مقوله نیاز طبقه‌بندی می‌کنند و برآنند که ساختار اجتماع باید به گونه‌ای تدارک دیده شود که نیازهای اساسی آحاد جامعه به بهترین وجه تأمین شود. ایشان می‌کوشند تا نیاز را به صورت یک ارزش نهایی و مبنایی اخلاقی برای سیاست و اداره جامعه مطرح کنند. این رویکرد، مقوله رفع نیاز را اصلی‌ترین کارکرد دولت معرفی می‌کند و حتی قلمرو و حیطه اختیارات دولت را با نظریه نیازها پیوند می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۳). ارزش‌نهادن به معیار نیاز، به معنای عدم اهمیت و نقش‌آفرینی مقولاتی نظیر منفعت عمومی و استحقاق به صورت مبنا و معیار توزیع عادلانه است. نیاز، مفهوم نسبی است که در اندیشه مارکسیستی هدف از رفع نیازها، دست‌یافتن به برابری انسان‌هاست. این ایدئولوژی در به‌وجود آمدن شهرهای سوسیالیستی تأثیرگذار بوده و ویژگی‌هایی چون وجود قدرت متمرکز و سلطه دولت، برنامه‌ریزی اقتدارگرا و ضربتی در شهرها، رشد اجتماعی به ظاهر همگن براساس برابری اجتماعی، اقتصاد شهری برنامه‌ریزی شده و هم‌شکلی شهرها را موجب شده است که در چهار قسمت زیر تحلیل می‌شوند:

شهر، عرصه نمایش قدرت

احساس مالکیت بر شهر، احساس بودن در مبارزه برای مشارکت، حضور و تعیین سرنوشت شهروندی همواره در طول

اشغال آن تلاش می‌کنند، مردم نیز تلقی و خواست‌های خود را در این قلمرو پیگیری می‌کنند. مروری بر تاریخ شهرنشینی و شهرسازی جهان نشان می‌دهد که عامل مذهب و فرهنگ نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش شهرهای زیادی به ویژه در شهرهای قدیمی داشته است.

بنابر ایدئولوژی کمونیستی مفهوم عدالت اجتماعی تنها با معیار رفیع نیاز سنجیده می‌شود. سکونت در شهرهای سوسیالیستی نیازی است که با توجه به تعبیر مارکس از عدالت تنها به رفع نیاز به مسکن تقلیل پیدا می‌کند. در این بین یکی از مقولات نیاز از دیدگاه هاروی که "دلپذیری محله" است نادیده گرفته شد. این مقوله با تعریف جامعه محلی و از مفهومی به نام اجتماع پدید می‌آید. در قرن هفتم میلادی با ظهور اسلام مفهومی به نام "اجتماع" به عنوان یک کل دارای هویت مستقل از اجزای خود در فرهنگ ایرانیان منشأ شکل‌گیری شهر شد. احکام و قوانین در شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم با تمام جزئیات آن دخالت داشته و حتی شکل ظاهری شهرها نیز متأثر از احکام و قوانین اسلامی بوده است (منصوری، ۱۳۹۲). سازمان فضایی شهر ایرانی- اسلامی براساس ایده شکل‌گیری

خیابان به عنوان مهمترین صحنه مبارزه برای اشغال فضا (گام اولیه و اساسی برای پیروزی) در نظر گرفته شده است. تکرار این رسم در شهرهای کمونیستی از جمله در شهرهای تفلیس، گوری در گرجستان و وانادزور در ارمنستان حاکی از آن است که اندیشه‌ای هدفمند و نه مردم، سیمای شهرها را چنین کرده است (تصویر ۱). براساس این برنامه‌ریزی مرکزی توسط دولت در سه حوزه فضاهای تولید و مصرف، فضاهای مسکونی و فضاهای ارائه خدمات شهری که ایده اصلی آن برقراری عدالت اجتماعی به تعبیر خود است، شاهد مالکیت شهر توسط دولت و منظری اقتدارگرا در شکل‌گیری مؤلفه‌های کمی شهر هستیم. اقتدارگرایی شاخصه اصلی شهرهای سوسیالیستی برای نمایش قدرت دولت در برقراری عدالت اجتماعی و برقراری مساوات بین مردم است که ساختار فضایی شهر نیز با توجه به آن و مبتنی بر معماری نمادین (بناهای عظیم گروه‌های قدرت) شکل گرفته است.

جنگ برای اشغال فضای عمومی

قلمرو عمومی نقطه تصادف و تعارض عرصه حکومتی و عرصه شهروندی است. بنابراین همان اندازه که حکومت‌گران برای

تصویر ۱. منظر اقتدارگرا در شهرهای سوسیالیستی حاصل حاکمیت دولت بر شهر جهت دست‌یافتن به مفهوم نسبی عدالت از تعبیر مارکسیست‌هاست. معماری نمادین، نقاط عطف حکومتی، خیابان‌های دستوری نمونه‌هایی از مؤلفه‌های منظر شهری در این نوع از شهرهاست. تصویر الف. میدان آزادی، تفلیس، گرجستان. عکس: شروین گودرزبان، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲. تصویر ب. بلوار استالین، گوری، گرجستان. عکس: احسان دیزانی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



تصویر ۱ الف



تصویر ۱ ب

ساختار فضایی شهر بر مبنای حضور افراد بدون در نظر گرفتن مجموعه وحدت یافته شکل گرفته است که از تلاش دولت برای برقراری اصل برابری با رفع نیازهای ضروری، تمرکز قدرت و بقای خود نشئت می‌گیرد. عدم شکل‌گیری اجتماع در شهرهای سوسیالیستی از طریق نادیده گرفتن مرکز محله و یا فضای جمعی در محله‌های مسکونی است که منجر به دور ساختن تقابل مردم با حکومت‌گران می‌شود. اجتماع‌گریزی شاخصه شهرهای سوسیالیستی است که در فضاهای مسکونی و به ویژه در مقیاس محله به عنوان عاملی برای رسیدن به عدالت اجتماعی سوسیالیستی شاهد آن هستیم (تصویر ۲).

اقتصاد، جریان زندگی اجتماعی یا دولتی؟

بر اساس عدالت مارکسیستی که بر پایه توزیع برابر ثروت استوار است؛ عدالت اجتماعی به معنای عدالت اقتصادی و تولید و توزیع یکسان کالا است که تحت سیستم متمرکز قدرت حکومتی انجام می‌گیرد. دستاورد آن، اقتصاد متمرکز برنامه‌ریزی شده‌ای است که در این سیستم سه سطح وجود دارد (حاتمی‌نژاد، محمدپور و منوچهری، ۱۳۸۸):

۱. ملی

۲. بخشی یا گروهی

۳. ناحیه‌ای یا منطقه‌ای

ابداع و بکارگیری برنامه‌ریزی متمرکز در راستای حل مسایل و مشکلات شهری و ایجاد تحولات در توسعه اقتصادی بر اساس مداخله همه جانبه دولت استوار شده بود که معیار برنامه‌ریزی هر سه سطح بیان شده در توزیع و مبادله کالا تحت نظارت و برنامه‌ریزی دولت صورت می‌گرفت. علی‌رغم موفقیت‌آمیز بودن نتایج اولیه اقتصاد برنامه‌ای با توجه به عقب‌ماندگی و شرایط نابسامان پس از جنگ (همان)، در ادامه این برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت در شهرهای سوسیالیستی، جداسازی اقتصاد از جریان زندگی اجتماعی و مردمی را در پی داشت.

در شهرهای شکل گرفته بر اساس ایده مارکسیستی در منطقه قفقاز مانند زوگدید در گرجستان، شکل‌گیری مغازه‌های کوچک در خیابان‌ها و بازارچه‌های سازمان‌دهی شده که هویت هریک را شماره بالای آن تعیین می‌کند و تأمین‌کننده نیاز اساسی مردم هستند از سلطه دولت بر شهر خبر می‌دهد که در آن و بر اساس اندیشه مدرنیست عملکرد، اصالت است. در این دیدگاه نیاز عملکردی، ساختار فضایی شهر را شکل می‌دهد که در آن اقتصاد به عنوان یک عملکرد و امر الحاقی به شهر برنامه‌ریزی می‌شود. بر این اساس در شهرهای سوسیالیستی جداسازی اقتصاد از زندگی مردم باعث جداسازی آن از شهر و تلقی اقتصاد به عنوان امر الحاقی به شهر و نه امری برخاسته از شهر شده است (تصویر ۳).

امروزه در شهر تفلیس گرجستان با آزادسازی تجارت و ورود

آن به گونه‌ای است که منجر به تشکیل اجتماع و امکان حضور مردم در عرصه‌های عمومی می‌شود. در این بین مراکز محله و میدان‌ها از جمله مشهورترین فضاهای جمعی در شهرهای ایرانی-اسلامی هستند. رفع نیازهای ضروری و از بین بردن جامعه طبقاتی در شهرهای سوسیالیستی به تفکیک زندگی روزانه از فعالیت‌های مختلف انسانی منجر شد. این تفکر اساس پیدایش شهرهای دوره مدرنیسم است که زمینه کاهش تعاملات اجتماعی و به دنبال آن از بین رفتن حیات مدنی شهر را به دنبال داشت و جایگزینی جمعیت (افراد) را به جای جامعه انسانی موجب شد. در این رویکرد، اجتماع به عنوان "یک کل وحدت‌دار" به مجموعه و انسان‌های مستقل بدل می‌شود. به این ترتیب در این شهرها فضاهای جمعی نقش اجتماعی خود را از دست داده و صرفاً به عنصری کالبدی در شهر تبدیل شدند که دولت با جداسازی این فضاها از سکونت آن را به عرصه‌ای حکومتی و نه مردمی تبدیل ساخت. در شهرهای سوسیالیستی قلمرو عمومی و فعالیت‌های جاری در آن از طرف دولت حائز اهمیت بوده است. به همین دلیل دولت با اعمال تاکتیک‌های مختلف خود را محق می‌داند که برای بقای خود، هر لحظه که بتواند عرصه‌ها و گستره‌های خصوصی، حکومتی و عمومی را تعیین کند.

با جایگزینی جمعیت (افراد) به جای ساکنان محله و شهروندان جامعه در فضاهای عمومی، هدف غایی دولت‌های سوسیالیستی معطوف به حذف عرصه عمومی و تقویت دو عرصه خصوصی و حکومتی است که این مسئله به دلیل وحشت از برهم‌کنش "فضای عمومی" و "مردم" است. چون از برآیند این دو است که:

- افراد با فشار روزافزون عرصه خصوصی را ترک و عرصه حکومتی را محدود می‌کنند.

- افراد به گروهی از مردم تبدیل می‌شوند که نه در قالب توده همسان، بلکه به مجموعه‌ای متکثر و وحدت‌یافته با هدف معین تبدیل می‌شوند. در نتیجه فضای جمعی شکل می‌گیرد. فضایی که در آن، انسان‌ها گرد هم می‌آیند تا یکدیگر را ببینند، روابط متقابل ایجاد کرده و تجربیات معنوی و اجتماعی خود را در معرض شناخت و استفاده یکدیگر قرار دهند (منصوری، ۱۳۸۰).

در این شهرها کنترل فضاهای عمومی، پدیده‌ای است که بقای دولت را ممکن ساخته است و دولت تلاش می‌کند رفتارها در فضای عمومی را به سمت ایده‌آل‌های خود سوق دهد و با حاکم‌ساختن فرهنگ، هویت واحد و رفتارهای جعلی، حضور وحدت‌آمیز ولی متکثر مردم را خنثی کند. بنابراین در این شهرها فضاهای عمومی تنها محل برگزاری گردهمایی‌های با شکوه حکومتی هستند و نه محلی برای ارتباط میان "انسان و فضا" و "انسان با ساکنان دیگر".

بر اساس سیاست همگون‌سازی و برابری اجتماعی و با توجه به مشاهدات فضاهای مسکونی شکل‌یافته در دوره کمونیسم در شهرهای واندازور در ارمنستان و گوری و زوگدید در گرجستان،



تصویر ۲ ب



تصویر ۲ الف

تصویر ۲. تقلیل مفهوم سکونت به رفع نیاز به مسکن در شهرهای سوسیالیستی منجر به نادیده گرفتن مفهوم اجتماع در شکل گیری محلات این شهرها شده است. براساس این رویکرد، فضاهای جمعی محلی که بر پایه "اجتماع" شکل می گیرند جای خود را به فضاهای حکومتی در سطح شهر داده اند. تصویر ۲ الف. محله مسکونی، زوگدید، گرجستان. عکس: احسان دیزانی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲. تصویر ۲ ب. محله مسکونی، وانادزور، ارمنستان. عکس: شروین گودرزیان، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

دانست، چرا که یک امر اتصالی، تدریجی و منتشر در زمان است. هر آنچه در زمان جاری باشد پویاست و به ماهیت های مستقل از هم تعلق دارد. در واقع هویت، کیفیتی جاری در طیف گذشته- امروز است (آتشین بار، ۱۳۸۸: ۴۷). در شهرهای سوسیالیستی نظم خشک و دستوری، تنوع اجتماعی پدیدآورنده شهرها را از آنها گرفته است. در نقطه مقابل، شهرهای سنتی مانند مستیا^۱ در کشور گرجستان که تحت تأثیر ایده های مارکسیستی تحول پیدا نکرده اند این تنوع و موجودیت شهری، شهر را از صورت توده وار خارج ساخته و به آن بافتی ساختارمند داده است. در این سبک نظم فضایی، شهر بیشتر از آنکه مبتنی بر معماری حکومتی باشد، برگرفته از ساخت اجتماعی است (تصویر ۴). در حالی که در دیگر شهرهای سوسیالیستی این تنوع که برخاسته از شیوه زندگی مردم است؛ جای خود را به شیوه زندگی یکسان

جریان های بین المللی سرمایه گذاری و جریان یافتن اقتصاد خصوصی سعی در تغییر این رویکرد (اقتصاد متمرکز) شده است. در این روند شاید به مانند گذشته جریان اجتماعی محلی نادیده گرفته شده که این مسئله منجر به رشد اقتصاد الحاقی در این شهرها خواهد شد.

شهرهای هم شکل سوسیالیستی

نگرش مکانیکی به حیات و نادیده گرفتن آن به عنوان جریان در حال حرکت و پویا با ایجاد فضاهای مسکونی - خدماتی براساس ایده برابری، یکی کردن سبک زندگی و به تبع آن نادیده گرفتن و نفی تاریخ و معنویت منجر به از دست رفتن کیفیت های بسیاری در زندگی انسان های شهرهای سوسیالیستی شد که "هویت" از جمله آنهاست. هویت را می توان به مثابه تغییر و تجدد پیوسته

تصویر ۳. عدالت اقتصادی که عدالت اجتماعی در فرهنگ مارکسیستی را پدید می آورد منجر به مداخله دولت در توسعه اقتصادی شهرهای سوسیالیستی شده است. این مداخله، جدایی اقتصاد از جریان زندگی مردمی و در نظر گرفتن آن به عنوان امر الحاقی و عملکردی در شهر با هدف تأمین نیاز اساسی مردم را موجب شده است. تصویر ۳ الف. بازار روز، زوگدید، گرجستان. عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲. تصویر ۳ ب. کاربری های تجاری شهر، زوگدید، گرجستان. عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



تصویر ۳ ب



تصویر ۳ الف

شهرهایی که تنها نام آنها متفاوت بوده و شاید تنها نقطه تمایز آنها اقلیم و طبیعت شهرها باشد. عدم پیوستگی با گذشته یا تاریخ‌گریزی، شاخصه دیگر شهرهای سوسیالیستی است که به تبع ایده برابری، دستوری و همگون ساختن شهرها پدید آمده به گونه‌ای که نشانه‌های تکثر مردم، هویت و تاریخ آنها در این شهرها حذف شده است (تصویر ۵).

و به تبع آن هم‌شکلی شهرها داده است. به گونه‌ای که همه این شهرها به توده‌های مشابه و یکنواخت از بناها و عناصر نمادین حکومتی تبدیل شده‌اند. از این جهت شاید بتوان هویت واحدی برای این شهرها در نظر گرفت. بلوک‌های مسکونی مشابه، نقاط عطف اقتدارگرا که جای نقاط عطف تاریخی شهر را که مشخصه آن بود گرفته و خیابان‌ها و فضاهای شهری مشابه همه و همه کشور را به سوی دارا بودن شهرهای هم‌شکل سوق می‌دهد.

تصویر ۵. شکل‌گیری شهر براساس توده‌های یکنواخت و عدم تنوع در مؤلفه‌های کالبدی منظر شهرهای سوسیالیستی، منجر به ایجاد سیمای مشابه این شهرها شده است که حاکی از سلطه دولت در از بین بردن جامعه طبقاتی و دست‌یافتن به عدالت اجتماعی مارکسیستی دارد. تصویر ۵ الف. ساختمان‌های مسکونی، وانادزور، ارمنستان. عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲. تصویر ۵ ب. محله مسکونی، گوری، گرجستان. عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲. تصویر ۵ ج. منظر خیابان، زوگدید، گرجستان. عکس: زهره شیرازی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



تصویر ۵ الف



تصویر ۵ ب



تصویر ۵ ج

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری ساختار فضایی-کالبدی شهرها بازتاب و برآیند طرز فکرها، بینش‌ها و اندیشه‌های متفاوتی است که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف حاکم بوده و این بینش‌های متفاوت، ساخت شهرهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند. فرهنگ سوسیالیسم با تکیه بر مالکیت دولتی و اشتراکی ثروت، ساختار فضایی شهرها را دگرگون ساخت به گونه‌ای که برابری اجتماعی و حذف جدایی‌گزینی اجتماعی طبقاتی در پیشرفت و ساخت شهرهای سوسیالیستی به عنوان یک هدف مهم و ایده اصلی شکل‌گیری شهرها در نظر گرفته شده است. براساس یافته‌های پژوهش، در شهرهای سوسیالیستی تعبیر خاص عدالت اجتماعی از سوی مارکسیست‌ها مبنی بر نسبی بودن مفهوم آن و وابستگی به معیار تأمین نیاز، برنامه‌ریزی متمرکز دولتی در پیاده‌ساختن برابری و مساوات را به دنبال داشت که منجر به پدیدآمدن منظر این شهرها براساس چهار راهکار اقتدارگرایی، اجتماع‌گرایی، اقتصاد الحاقی و تاریخ‌گریزی شده است. سیمای شهرها نیز متأثر از این چهار راهکار به صورت دستوری و هم‌شکل فرم گرفته که این امر بازگوکننده حاکمیت دولت بر شهر است. شهر سوسیالیستی مفهومی است که نشان می‌دهد برنامه‌ریزی و



تصویر ۴. شکل‌گیری فرم و نظام شهر براساس جریان زندگی مردم، عاملی است که در شهرهای سنتی کشورهای کمونیستی می‌توان نشانه‌هایی از آن را دید. در این بین مستیا در کشور گرجستان زیستگاهی است که دارای نشانه‌هایی از تنوع و موجودیت شهری مستقل است. مستیا، گرجستان. عکس: احسان دیزانی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

توسعه شهر تا چه حد تحت تأثیر اهداف کلان دولتی می‌تواند قرارگیرد و چگونه می‌توان با تغییر دادن خط فکری، معضلات شهری را تا حد ممکن مرتفع ساخت. از این‌رو در دوران پس از سوسیالیست (دوره استقلال) برای توسعه شهرها، باید رویکردی ترکیبی در حوزه‌های مختلف مسکونی، تولید و مصرف و فضاهای ارائه خدمات شهری اتخاذ شود که چهار راهکار مذکور را به عنوان راهکارهایی که منجر به ایجاد شهر دستوری با غلبه مرکزیت، هم‌شکل و فاقد تکثر می‌شود را در ارتباط با توسعه شهر در نظر گیرد.

پی‌نوشت

۱. در این مقاله تنها به بررسی عدالت از دیدگاه سوسیالیسم پرداخته می‌شود. در تیترو "مفهوم عدالت در اندیشه سنتی و مدرن" به صورت مختصر به دیدگاه‌های دیگر جهت ورود به موضوع اشاره شده است که یکی از آنها عدالت در اندیشه مسلمانان است. علی‌رغم اینکه در دیدگاه اسلامی، عدالت اجتماعی از جهات بسیاری مورد تحلیل قرار گرفته و همچنین تحقق این مفهوم به تعبیر اندیشه اسلامی، اساس پدیدآمدن شهرهای اسلامی است ولی با توجه به ساختار پژوهش و عدم بررسی تطبیقی بین دیدگاه‌های مختلف، در این مقاله تحلیل تفصیلی موضوع در دیدگاه اسلامی صورت نگرفته است.
۲. Rawls / ۳. Rencher / ۴. Runciman / ۵. Tawney
۶. برخلاف آنکه ساختار شهر مستیا براساس نوع زندگی مردم گذشته آن شکل گرفته، امروزه توسعه این شهر تحت اندیشه کمونیستی است. به نحوی که در قسمت‌های جدید شهر شاهد برخی از ویژگی‌های شهرهای سوسیالیستی هستیم.

فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). تداوم هویت در منظر شهری. *مجله باغ نظر*، (۱۲): ۴۵-۵۶.
- استروفسکی، واتسلاف. (۱۳۷۸). *شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن*. ترجمه: لادن اعتضادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- برخی نظریه‌های عدالت اجتماعی. (۱۳۹۱). قابل دسترس در سایت: <http://www.cdi-iran.com/Article/نظریه-عدالت-اجتماعی-۴۸>. (دریافت شده در شهریور ۱۳۹۲).
- بیات، عبدالرسول. (۱۳۸۱). *فرهنگ واژه‌ها، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی*.
- تقوایی، مسعود و تبریزی، نازنین. (۱۳۸۴). مارکسیسم، شهر و برنامه‌ریزی شهری. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۹ (۸ و ۷): ۱۶۸-۱۷۹.
- حاتمی‌نژاد، حسین، محمدپور، صابر و منوچهری، ایوب. (۱۳۸۸). اثرات برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی بر تحولات برنامه‌ریزی و الگوهای توسعه و عمران شهری در شوروی، *مجله جغرافیای انسانی*، ۲ (۱): ۱-۱۴.
- حاجی‌حیدر، حمید. (۱۳۸۷). نیاز به مفهوم عدالت اجتماعی: مروری بر دیدگاه‌های جاری در فلسفه سیاسی، *مجله حکومت اسلامی*، ۱۳ (۲): ۱۲۴-۱۴۳.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۷۸). برنامه‌ریزی شهرهای جدید، تهران: سمت.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۶). ادب صدق، ادب عدالت، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- عسکریزاده، محمدحسین و خادمی، شهرزاد. (۱۳۸۹). مرگ تاریخ و جغرافیا در شهر سوسیالیستی. *مجله منظر*، (۶): ۶۸-۷۰.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۰). *فضای جمعی و حیات مدنی*. روزنامه حیات نو، ۷ خرداد.
- منصوری، سید امیر و همکاران. (۱۳۸۲). *طرح پژوهشی سازمان فضایی شهر*. تهران: مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۲). سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران. *مجله هنر و تمدن شرق*، (۱): ۵۲-۶۳.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی و مسائل آن. *مجله قیسات*، (۳۳): ۲۰۸-۱۸۹.
- هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.